

پژوهشی دربارهٔ پیشه‌وران و تقلب‌های شغلی آن‌ها بر اساس معالم القربه فی احکام الحسبه

یزدان فرخی^۱
سمانه ناصری^۲

چکیده: بررسی اخلاق حرفه‌ای پیشه‌وران، زمینه پر اهمیتی در پژوهش‌های تاریخ اجتماعی محسوب می‌شود. بخشی از این اخلاق حرفه‌ای به شیوه و نحوه روند تولید و ارائه خدمات به مشتریان، مربوط است. در تاریخ جهان اسلام، پیشه‌وران تمایل داشتند تا اخلاق حرفه‌ای خود را با مفاهیمی چون فتوت بازگو کنند. اما وجه دیگری از اخلاق حرفه‌ای پیشه‌وران در جریان فعالیت اقتصادی، بر خلاف اخلاق ستودهٔ حرفه‌ای بود که می‌توان به بیانی دیگر آن را «تقلب شغلی» نام گذاری کرد.

پیشه‌وران مرتکب چه تقلب‌هایی شده بودند و در کدام حرفه وقوع تقلب بیشتر بوده است؟ چنین به نظر می‌رسد که کتاب معالم القربه فی احکام الحسبه در زمینه تقلب پیشه‌وران، اطلاعات قابل توجهی به دست می‌دهد. هدف مقاله حاضر، شناسایی و دسته‌بندی تقلب پیشه‌وران و به کارگیری یافته‌های کمی و کیفی به دست آمده در تحلیل اخلاق اجتماعی و حرفه‌ای پیشه‌وران است.

واژه‌های کلیدی: پیشه‌وران، اخلاق حرفه‌ای، تقلب، تدلیس، حسبه‌نامه، ابن‌اخوه

۱ استادیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور y_farrokhi@pnu.ac.ir
۲ مدرس گروه حقوق دانشگاه پیام نور samaneh.naseri@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۹۳/۰۵/۱۸ تاریخ تأیید: ۹۴/۰۲/۰۵

An investigation on tradesmen and professional cheatings based on “Ma’alim al-ghorbah wa fi Ahkam el-hisbah”

Yazdan Farrokhi¹

Samaneh Naseri²

Abstract: Professional ethics is a significant field in social history researches. Among this field a portion belongs to the style and trend of production as well as customers' service. Tradesmen used to overt their professional ethics by using the concept of chivalry (Fotowwat) in Islamic history, although there seems to be an opposite trend that may be called “professional cheatings”. What sort of cheating was going on and in which job the most possible cheating used to occur? This research based on the book ” Ma’alim al-ghorbah wa fi Ahkam el-hisbah” is to recognize and categorize the types of professional cheatings by applying quantitative and qualitative findings in order to analyze social and professional ethics.

Keywords: tradesmen, professional ethics, cheating, fraud, Hisbah Nameh, ibn –e- Akhooh

1 Assistant Professor, Department of History, Payam e Noor University y_farrokhi@pnu.ac.ir

2 Lecturer, low department, Payam e Noor University samaneh.naseri@yahoo.com

مقدمه

پژوهش درباره پیشه‌وران و عرصه‌های شغلی و حرفه‌ای آن‌ها، یکی از زمینه‌های قابل توجه برای پژوهشگران در حوزه تاریخ اجتماعی محسوب می‌شود. بررسی زندگی آن‌ها به ویژه از این جهت که زندگی روزمرهٔ شمار فراوانی از مردم عادی را منعکس می‌کند، دارای اهمیت چشمگیری است. زندگی روزمره آن‌ها به ویژه آنچه که در جریان فعالیت شغلی و حرفه‌ای و به سخی دیگر، زندگی هر روزه آن‌ها روی می‌دهد، بازگو کننده جریانی به هم پیوسته و مستمر در تاریخ اجتماعی محسوب می‌شود. از این رو با آگاهی یافتن از کیفیت و نحوه امرار معاش و ویژگی‌های شغلی هر یک از گروه‌های پیشه‌وری، می‌توان از مناسبات پیوندهای مستمر اقتصادی و اجتماعی بخش قابل توجهی از جمعیت شهری شناخت حاصل نمود.

با مطالعهٔ روند و جریان مستمر شغلی و حرفه‌ای پیشه‌وران، تجربهٔ قابل ملاحظه‌ای دربارهٔ کیفیت تولید، توزیع و ارائه خدمات و رعایت معیارهای شغلی و حرفه‌ای پیشه‌وران که آن را اخلاق حرفه‌ای می‌نامیم، به دست می‌آید. به لحاظ اصول اخلاقی، پیشه‌وران در تلاش بودند تا اخلاق حرفه‌ای ممتاز و متعالی از پیشه خود را به نمایش بگذارند و به ویژه خود را با مفاهیم اخلاقی چون جوانمردی معرفی نمایند. در پیوند با همین موضوع در جهان اسلام کتابچه‌های سوال و جوابی به نام کتاب الفتوه وجود داشته است که پیشه‌وران تازه کار به عنوان راهنمای اصول اخلاق حرفه‌ای باید آن را فرا می‌گرفتند و به آن عمل می‌کردند^۱ این رساله‌ها می‌توانستند کارایی عملی و تاثیر محسوسی در زندگی روزمره پیشه‌وران داشته باشند. این رساله‌ها که با نام فتوت‌نامه نیز شهرت یافته است، جنبه مهمی از زندگی پیشه‌وران و میراث حرفه‌ای آن‌ها را بازگو می‌کند.^۲

از سوی دیگر پیشه‌وران، افزون بر اصول جوانمردی و اخلاق ممتاز منعکس شده فتوت‌نامه‌ها، میراث دار رفتارهای اجتماعی و اقتصادی دیگری نیز بودند که در واژه‌هایی چون «غش»^۳ و

۱ ماسینیون (۱۳۸۸)، همان، ص ۷۰۴؛

Massignon, Louis (1949), "Islamic Guild", *Encyclopedia of social sciences*, vol. viii, New York: The Macmilan, Company, p. 215.

۲ در مورد فتوت و ارتباط آن با تشکیلات پیشه‌وران و نیز مطالبی ارزنده در مورد فتوت نامه‌ها در جهان اسلام بنگرید به:

Cahen & Taeschner (1965), "Futuwwa" *Encyclopedia of Islam*, Vol II, Leiden, Brill: pp 961-969.

۳ غش واژه‌ای عربی است که در فرهنگ ایرانی نیز به عنوان تقلب در معاملات به کار رفته است. حفظ شیرازی از شعرای نامدار ایرانی در بخشی از جهان اسلام سدهٔ هشتم هجری این اصطلاح را بارها به عنوان مضمون شعر خود به کار گرفته است. برای نمونه در بیتی چنین می‌گوید: خوش بود گر محک تجربه آید به میان / تا سیه روی شود هر که در او غش باشد (خواججه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی (۱۳۶۲)، دیوان حافظ، به تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی، چ ۲، ص ۳۲۶).

«تدلیس»^۱ تبلور یافته بود. این واژه‌ها را می‌توان با مفاهیمی چون «تقلب شغلی» توضیح داد که پیشه‌وران، مرتکب رفتاری با انگیزه سود بیش‌تر و به قیمت متضرر شدن مشتری می‌شدند که هم اصول اخلاق حرفه‌ای را خدشه‌دار می‌ساخت و هم مفهوم عدالت را که از سوی علمای اسلامی مورد تأکید قرار داشته را نقض می‌کرد.^۲ از آنجا که بررسی موضوع تقلب پیشه‌وران در فعالیت‌های اقتصادی می‌تواند به شناخت بیشتری از زندگی اقتصادی و اجتماعی آنان منجر شود، زمینه پژوهشی قابل توجهی برای پژوهشگران محسوب می‌شود.

اما به هر حال گذشته از اینکه منابع تاریخ‌نگاری در مورد زندگی پیشه‌وران اطلاعات بسیار اندکی دارند، منابع غیر تاریخ‌نگاری نیز نظیر سفرنامه‌ها، تذکره‌های عرفانی و ادبی، فتوت‌نامه‌ها، شهر آشوب‌ها و منابع دیگر، اطلاعات در خور توجهی برای بررسی و شناخت «تقلب‌های شغلی» پیشه‌وران در بر ندارند.^۳ از این رو مطرح کردن مطالب حسبه‌نامه‌ها که مضمون آن پرداختن به «غش» و «تدلیس» گروه‌های مختلف از جمله پیشه‌وران است، اهمیت در خوری پیدا می‌کنند.

حسبه واژه‌ای عربی (به معنی شماره کردن و یا کفایت) و اصطلاحی رایج در میان فقهای مسلمان است که از یک سو به وظیفه همه مسلمانان یعنی امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی اشاره دارد و از دیگر سوی به وظایف و کارکردهایی مقامی دلالت می‌کند که در

۱ واژه تدلیس یکی از واژه‌های مهم و مورد استفاده این‌خوه در *معالم‌القریه فی احکام‌الحسبه* یا منبع مورد بحث این مقاله برای نشان دادن فریب‌کاری و تقلب پیشه‌وران در جریان فعالیت اقتصادی به کار رفته است. این واژه به گفته برخی، کلمه‌ای عربی و از ریشه دگلس است و به نظر برخی نیز از ریشه یونانی *دگلس* (dolos) گرفته شده است و در هر صورت به عنوان مفهومی پر اهمیت در حوزه بازار و بیع به کار رفته است. این واژه در زمینه علم حدیث نیز مورد توجه قرار گرفته است. در معنای نخست که مورد توجه این مقاله است این واژه به صورت پنهان کردن عیب یک کالا معنا می‌شود (M.Y. Izzī Dien & G.H.A. Juynboll (2000), "Tadlis", *Encyclopedia of Islam*, Leiden: Brill, Vol.III, Second edition, pp 77-78) این واژه امروزه در قانون مدنی ایران نیز «عبارت است از عملیاتی که موجب فریب طرف معامله شود» (علی‌تولایی (۱۳۸۵)، «تدلیس»، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۱۴، تهران: انتشارات دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۶۹۶)

۲ عبدالله خازنی از علمای سده ششم هجری مفهوم عدالت را در دو عرصه تقسیم می‌کند. نخست، زمینه تهذیب اخلاق از خوی بد و دیگر در عرصه کسب و کار: «عدل در عمل دو نوع است. نوع اول: عمل خویشتن و آن تهذیب اخلاق و خوی بد از خود دور کردن است... نوع دوم: معامله است و آن نگاه داشتن انصاف و راستی است میان خود و معاملات در ادای حق‌های ایشان و باز سندن حق خویش» (ابوالفتح عبدالرحمن خازنی (۱۳۵۰)، ترجمه *میزان‌الحکمه*، مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ص ۷).

۳ البته در این میان اسناد گنیزه که در شهر قاهره یافت شده و مطالب آن مربوط به سده‌های ۴ تا ۸ هجری است یک استثنا محسوب می‌شود. این اسناد ظاهراً حرفه‌ها و مشاغل را که احتمال سوء استفاده و تقلب در آن بسیار می‌بوده، راهکار آن یعنی انتصاب معتمد برای نظارت بر آن‌ها را مشخص کرده است (مهدی کیوانی (۱۳۸۵)، «اصناف»، *دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: ج ۹، انتشارات دایرة‌المعارف بزرگ اسلامی، ص ۲۷۳).

یک شهر به سرپرستی امر نظارت بر رفتارهای اخلاقی شهروندان و به ویژه فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی بازاریان می‌پرداخت و به «محتسب» مشهور بود.^۱

توجه به حساسیت وظایف امر حسبه که می‌توانست مصداق‌های اجتماعی عدیده‌ای داشته باشد، علما و فقهای مسلمان را در قرون نخستین بر آن داشت تا به تالیف کتاب‌هایی در این زمینه بپردازند که اصول و قوانین حسبه، مصداق اجتماعی آن و وظایف محتسب را بازگو می‌کرد. قدیمی‌ترین نمونه شناخته شده این آثار، *الأحكام السلطانية* اثر ماوردی و *احیاء علوم‌الدین* اثر غزالی است.^۲ پژوهش‌ها نشان داده است که منابع حسبه نامه را می‌توان به دو دسته از آثار یعنی رساله‌های «نظری» و «عملی» تقسیم کرد. نوشته‌های نظری که *الأحكام السلطانية* در زمره آن‌ها به شمار می‌آید، بر مبنای تحقیق میدانی و شواهد عینی مؤلف قرار نداشته است. در مقابل، نوشته‌های عملی حاصل تتبع و مشاهدات عینی و دستورالعمل‌های کاربردی برای محتسبان بود و از مهم‌ترین این حسبه نامه‌های عملی می‌توان به کتاب *معالم‌التقربیه فی الاحکام‌الحسبه* اشاره کرد.^۳

این اثر همانند دیگر حسبه نامه‌های عملی، منعکس کننده احوال روزگار مؤلف و به طور خاص پیشه‌وران آن عصر است.^۴ محمدبن محمدبن احمدبن ابی‌زید قرشی مشهور به ابن‌اخوه از فقها و محدثان شافعی مذهب (۶۴۸ - ۷۲۹ ق.) که به احتمال بسیار زیاد از اهالی مصر بوده است و تنها اثر شناخته شده از وی یعنی *معالم‌التقربیه فی احکام‌الحسبه* که در ادامه آثاری عملی در حوزهٔ حسبه نظیر *نهایه‌الرتبه فی طلب‌الحسبه* اثر عبدالرحمن شیزری (وفات در ۵۸۹ق) نوشته شده،^۵ روایت کننده جامعه مصر در سدهٔ هفتم هجری است. ابن‌اخوه در اثر خود به شمار فراوانی از پیشه‌وران اشاره کرده و در پی تدوین آیین نامه عملی برای محتسبان آن روزگار و با انگیزهٔ «نهی از منکر»، تقلب‌هایی را که پیشه‌وران در جریان فعالیت اقتصادی خود مرتکب می‌شدند گزارش کرده است.

۱ انصاری، همان، ص ۲۸۱.

2 Cahen&Talbi,Ibid, p.486.

۳ احمدپاکتچی (۱۳۷۴)، «ابن‌اخوه»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم بجنوردی، ج ۲، تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ص ۷۱۶.

۴ از پژوهشگرانی که بر اهمیت اطلاعات این اثر در زمینه تاریخ پیشه‌وران و اصناف تأکید نموده و آن را اثری مهم برای تحلیل حیات شهری و بازار و اصناف دیده است، می‌توان به مقاله احمد اشرف اشاره کرد. وی ضمن تأکید بر جایگاه حسبه نامه‌ها برای پژوهشگران تاریخ اصناف اسلامی، به اهمیت *معالم‌التقربیه فی احکام‌الحسبه* اشاره می‌کند (احمد اشرف (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامهٔ علوم اجتماعی*، ش ۴، ص ۳۴).

۵ پاکتچی، همان، صص ۷۱۵-۷۱۶.

وی همان گونه که اشاره شد از تقلب‌های احتمالی سخن نمی‌گوید و تأکیدش بر تقلب‌های واقع شده و رایج در میان پیشه‌وران است. به طوری که ضمن بیان حسبه یکی از حرفه‌ها می‌نویسد: «هر گاه بیم آن نبود که بیدینان و دونان انواع تقلبات را فراگیرند و...تقلب کنند در باب تدلیس و تقلب بیش از این شرح می‌دادم»^۱ از این رو جنس روایات وی در این اثر هم جنس روایات مطلوب در حوزه دانش تاریخ است و از امر واقع در روزگار مؤلف سخن می‌گوید.

پیشینه پژوهشی مرتبط با محتوای مقاله حاضر را می‌توان به دو دسته مختلف تقسیم نمود. نخست از تلاش پژوهشگران تاریخ اجتماعی و پژوهشگران حوزه تاریخ اصناف و پیشه‌وران در جهان اسلام سخن به میان آورد. برخی از پژوهشگران اصناف در جهان اسلام نظیر لویی ماسینیون به جهت نگاه منفی نسبت به نهاد حسبه و مقام محتسب در جهان اسلام، اهمیت و ارزش متون حسبه نامه در تحلیل و شناخت اصناف و پیشه‌وران را در نظر نگرفته‌اند. چنانکه همو وظایف حسبه را در برابر پیشه‌وران و اصناف عامل، عقب ماندگی و حضور محتسبان را نماد مزاحمت در انسجام و استقلال داخلی اصناف در جهان اسلام می‌دانست،^۲ در حالی که وی وجوه دیگر نهاد حسبه و مقام محتسب را به منظور جلوگیری از تخلف شغلی اصناف، و نظارت بر کیفیت معامله چندان مهم ندانسته و در اثر اخیر، گروه‌هایی مانند گدایان را نیز در زمره اصناف دیده است.

همچنین سابقه تحقیق حاضر را می‌توان در آثار برخی دیگر از پژوهشگران جستجو کرد که از زاویه بررسی وظایف محتسب و کارکردهای نهاد حسبه به بررسی آثاری چون *معالم القریه فی احکام الحسبه* پرداخته‌اند. در شمار این دسته از آثار می‌توان به نوشته‌های فقهی، مورخان تاریخ اجتماعی^۳ و پژوهشگران حوزه‌های فرهنگی و تمدنی اسلام و ایران^۴ و دیگر پژوهشگران اشاره کرد. اما این پژوهش‌ها نگاهی جامع و کامل به همه پیشه‌وران و انواع تخلفات و تقلب‌های حرفه‌ای آن‌ها نداشته‌اند و مطالب و محتوای این آثار را در راستای شناخت هر یک از اصناف و ویژگی‌های متمایز آن‌ها به کار نگرفته‌اند. و در پژوهش‌ها و بررسی حسبه نامه‌ها و به ویژه معالم

۱ این‌خوه، همان، ص ۹۶.

۲ Massignon, Ibid, p. 215؛ ماسینیون (۱۳۸۸)، همان، ص ۷۰۴.

۳ منتظری، همان، صص ۹-۲۵.

۴ باستانی پاریزی، همان، صص ۱۶۵-۱۷۹؛ الشیخی، همان، صص ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۵.

۵ فرامرزی قراملکی و همکاران، همان، صص ۴۴۲-۴۴۶؛ ۴۵۳؛ باقری، همان، صص ۲۴۹-۲۹۹؛ عباسی و فروهی، همان، صص ۲۳۷-۲۴۷.

التقریه فی احکام الحسبه به طور اجمال به این آثار پرداخته و تنها دیدگاه‌های کلی آن را در خصوص حدود کار حسبه و بعد قضایی و نظارت حسبه بر کار و اخلاق پیشه‌وران مورد توجه قرار داده‌اند.^۱

در این پژوهش، پیشه‌وران به گروهی از فعالان اقتصادی اطلاق می‌گردد که در حوزه‌های تولید، توزیع و خدمات و عمدتاً در محدوده بازار و بخش‌های وابسته به آن مشغول فعالیت اقتصادی بوده و به کسب معیشت می‌پردازند. در کتاب ابن‌اخوه به تخلف گروه‌های دیگر جامعه در بخش‌های وابسته به دین (هم چون قاضیان، موذنان) پزشکی (اعم از طبیب، شکسته بند و حجامت‌گر) و غیره نیز پرداخته شده است، اما مورد توجه و بررسی مقاله حاضر قرار نگرفته است؛ در مقابل آنچه مد نظر این تحقیق قرار دارد، گروه‌های اقتصادی وابسته به بازار، پیشه و صنعت و با کمی تسامح می‌توان آن‌ها را «اصناف بازار»^۲ می‌باشند.

موضوع اصلی این مقاله یعنی تقلب یا تخلف که در متن کتاب معالم‌التقریه به «تدلیس» تعییر شده است،^۳ به عنوان عملی رایج در میان اهل بازار و بر اساس محتوایی آنچه ابن‌اخوه در کتاب خود عرضه می‌دارد، به اقدام اقتصادی به صورت آگاهانه اطلاق می‌شود که در جریان تولید، توزیع و خدمات از سوی پیشه‌وران انجام می‌گیرد و طی آن پیشه‌ور به منظور نفع بیشتر (از حد مجاز و عرف) اقدام به کم‌فروشی و تخلف در ارائه خدمات و نظایر آن می‌کند که نتیجه آن ضرر و غبن خریدار کالا و یا خدمات می‌گردد. در حالی که از وجود تقلب و غش در معامله خود غافل است. در این اثر، نکته‌هایی با مضمون مطالب فنی و تکنیک شغلی هم ذکر شده است که در آن توصیه شده تا صاحب فلان شغل به صورتی خاص اقدام کند. سرانجام این تحقیق شامل

۱ برخی از پژوهشگران نیز بدون در نظر گرفتن این نکته که اثر ابن‌اخوه عمدتاً مربوط به جامعه مصر سدهٔ هفتم هجری است، به استفاده از برخی اطلاعات این اثر برای تشریح جامعه ایران سدهٔ هفتم و هشتم دست زده و از این رو در بهره‌برداری از این اثر دقت در خوری را روا نداشته اند (علی بحرانی پور (پاییز ۱۳۸۸)، «اصناف و صنایع در بازار شیراز سده‌های هفتم و هشتم قمری»، تاریخ ایران، ش ۵، صص ۹-۱۵)

۲ کاربرد واژه صنف که در زبان انگلیسی معادل گیلد (guild) است، در میان پژوهشگران تاریخ اجتماعی ایران مفهومی بسیار بحث برانگیز است و از آنجا که برخی منکر درستی کاربرد واژه صنف در جهان اسلام در سده‌های میانه، به معنای تشکیلات حرفه‌ای و معادل گیلد در میان اصناف اروپایی هستند (Raymond (1997), "Sinf: In Arab world", Encyclopedia of Islam, Vol. IX, Leiden, Brill, pp 644-645). در پژوهش حاضر این واژه با تسامح به کار گرفته شده است.

۳ قاضی شهاب‌الدین احمد قلقشنندی (وفات ۸۲۱ ق) هم وطن ابن‌اخوه که کمی پس از وی به تألیف اثر خود اهتمام ورزیده است نیز از اصطلاح «تدلیس» به همین مفهومی که ابن‌اخوه در اثر خود به کار گرفته است، استفاده می‌کند (شهاب‌الدین احمد قلقشنندی (۱۹۷۰)، صبح الاعشی فی صناعة الانشاء، به اهتمام محمد حسین شمس‌الدین، ج ۱۰، بیروت: انتشارات دار الکتب العلمیه، ص ۲۹).

مشاغلی است که از نظر عرف و نیز ابن‌اخوه در شرع مورد تأیید باشد و در نتیجه حرفه‌هایی چون مجسمه‌سازی و معرکه‌گیری^۱ در این تحقیق، مورد بحث قرار نگرفته‌اند. در این مقاله ابتدا بر اساس نوع حرفه، ثقلب پیشه‌وران، شناسایی و دسته‌بندی می‌گردد و سپس بر پایه آمارهای به دست آمده به تحلیل کمی و سپس به بررسی کیفی محتوای گزارش شده پرداخته می‌شود.

۱. صراف (صیرفی)

ابن‌اخوه ۳ ثقلب را در مورد صرافان گزارش می‌کند. ۱. «رواج» دادن «درهم‌های قلب» در میان مردم،^۲ سنگین کردن وزن سنگ‌های ترازو به منظور کم‌فروشی^۳ و ۳. تدلیس در م‌عامله دو سکه متفاوت از لحاظ ارزش با یکدیگر و متضرر کردن مشتریان.^۴

۲. سقا

در مورد این حرفه ۳ ثقلب ذکر شده است. این موارد شامل ۱. آمیختن آب شیرین با آب‌های شور،^۵ ۲. آمیختن مواد دیگر در آب^۶ و ۳. تهیه آب از محل‌هایی که کیفیت مناسبی ندارد؛ اما تهیه آن آسان‌تر است.^۷

۳. فروشنده نخود و باقلا

صاحبان این حرفه تنها در ۱ مورد و با افزودن مخفیانه به وزن پیمانه‌های خود مرتکب ثقلب و به اصطلاح کم‌فروشی شده بودند^۸

۴. طلا فروش

تنها یک ثقلب به این حرفه نسبت داده شده است و آن نشان دادن وزن نادرست در هنگام فروش و یا خرید طلا است.^۹

۱ ابن‌اخوه، همان، صص ۴۷-۴۸.

۲ همان، صص ۵۴-۵۵.

۳ همان، ص ۶۹.

۴ همان، ص ۱۴۶.

۵ همان، ص ۲۳۳.

۶ همان، ص ۲۳۳.

۷ همان، ص ۲۳۳.

۸ همان، ص ۷۰.

۹ همان، صص ۶۷-۶۸.

۵. نانوا

در مورد نانویان ۳ تقلب ثبت شده است. ۱. به جای زعفران و زردچوبه، نخود و باقلا می‌افزودند. ۲. پخت و فروش نان به صورت فطیر با این هدف که نان را با وزن سنگین‌تر و سود بیشتر بفروشند و ۳. برداشتن حق دستمزد پخت بیشتر برای مواردی که نانوا آرد و خمیر را از مردم می‌گیرد.^۱

۶. آسیابان

آسیابان‌ها تنها در یک مورد با آمیختن آرد با مواد دیگر نظیر نخود و باقلا (که ارزان‌تر از آرد بودند) متهم به تقلب می‌کردند.^۲

۷. علاف^۳

علافان در دو مورد مرتکب تقلب شده بودند. ۱. آمیختن متقالبانه گندم تازه و کهنه با هدف سودجویی،^۴ ۲. افزودن مخفیانه به پیمانه‌ها با هدف کم‌فروشی.^۵

۸. بریانگر

در مورد این حرفه ۵ مورد تقلب گزارش شده است. ۱. فروش چارپایان نامناسب به عنوان خوراک مردم و برای پخت و پز^۶. ۲. تقلب در وزن خوراک به این صورت که وزنه آهنی یا متقال متقال سربی را به صورت مخفیانه در دل گوشت چارپا قرار می‌دادند، ۳. استفاده از مواد دیگری به غیر از مواد مجاز و ارزان‌تر به جای زعفران، ۴. استفاده از لیمو برای تغییر طعم و مخفی کردن ماندگی و کهنه بودن مواد، ۵. به کارگیری مواد مختلفی نظیر کبد، دنبان، پیه و کلیه به گوشت به منظور سود بیشتر.^۷

۱ همان، ص ۷۸.

۲ همان، ص ۷۴.

۳ گرچه بر اساس فرهنگ‌های لغت معاصر و همچنین ادبیات کنونی، علاف به فروشنده اقلامی چون جو، کاه، یونجه، برنج و حتی هیزم اطلاق می‌گردد (محمد معین (۱۳۷۹)، فرهنگ فارسی، ج ۲، تهران: انتشارات امیرکبیر، ص ۲۳۳۲) اما بنابر گزارش ابن‌اخوه، این حرفه شامل بر فروشنده گندم نیز هست.

۴ ابن‌اخوه، همان، ص ۷۵.

۵ همان، ص ۷۰.

۶ همان، ص ۷۹.

۷ همان، صص ۷۹-۸۱.

۹. لکانه پز^۱

ابن‌اخوه به ۴ مورد از تقلب‌های این حرفه اشاره کرده است. اما تأکید مؤلف بر وجود تقلب در جریان فعالیت‌های اقتصادی این حرفه، چهره متمایزی از لکانه‌پزان عرضه می‌کند. ابن‌اخوه تأکید می‌کند که ضرورت دارد محتسبان، نظارت دقیقی بر اعضای این حرفه داشته باشند؛ به این ترتیب که محل کار لکانه‌پزان در نزدیکی محل استقرار محتسب در بازار باشد «شایسته است که دکان‌های لکانه پزان نزدیک دکه محتسب باشد و مراقبت کند که لکانه را در حضور او بسازند زیرا در آن تقلب بسیار کنند». همو در ذکر حسیبه این حرفه سه بار از لفظ «تدلیس» استفاده می‌کند^۲ که نشانه تأکید مؤلف بر وقوع تقلب آشکار و مکرر در این حرفه است.

موارد ذکر شد در مورد تقلب‌های این حرفه به این ترتیب است. ۱. آمیختن مخفیانه گوشت بز یا گوشت شتر، ۲. استفاده بیش از اندازه از آرد در ترکیب لکانه، ۳. استفاده از گوشت نامرغوب، ۴. آمیختن متقلبانه آب به گوشت در هنگام کوبیدن آن.^۳

۱۰. جگرپز

مؤلف^۴ از سه تقلب در مورد این حرفه یاد می‌کند ۱. مخلوط کردن متقلبانه جگر بز و گاو با جگر گوسفند به منظور نفع بیشتر^۲. ۲. مخلوط کردن غذای شب مانده با غذای تازه، ۳. آمیختن جگرهایی که به طریق مختلف پخته شده با هدف منفعت بیشتر برای خود.^۵

۱۱. بواردی^۶

تعداد شش گونه مختلف از تقلب‌های رایج در این حرفه گزارش شده است. ۱. مخلوط کردن انواع لوبیاهای مرغوب و غیر مرغوب با یکدیگر، ۲. آمیختن متقلبانه مواد دیگر به مواد تعیین شده

۱ لکانه، یا نکانه به خوراکی گفته می‌شد که شامل روده پخته گوسفند بود که با گوشت و جگر پر شده باشد (حسن انوری (۱۳۸۱)، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۷، تهران: سخن، ص ۶۴۲۹). شاید به تعبیری بتوان آن را امروزه با غذاهای آماده‌ای چون سوسیس و کالباس مشابه دانست.

۲ ابن‌اخوه، همان، ص ۸۲.

۳ همان، صص ۸۱-۸۳.

۴ همان، ص ۴۷.

۵ همان، صص ۸۴-۸۵.

۶ چنانکه مترجم فارسی نیز اشاره کرده است، یافتن معادل فارسی برای بوارد به عنوان خوراک دشوار است. اما به هر روی اشاره به خوراکی دارد که از آب خورش تند، سرکه و گیاهان و حبوبات تهیه می‌شد (ابن‌اخوه، همان، ص ۸۴).

با هدف سودجویی،^۳ استفاده از فرایندی در پخت و پز برای جلوه بیشتر نزد مشتری،^۴ مخلوط کردن مواد شب مانده و کهنه با غذای تازه،^۵ استفاده از مواد مانده لوبیا و شلغم به جای یکدیگر،^۶ استفاده متقلبانه از روغن زیتون شیرین به جای روغن کنجد.^۱

۱۲. سلاخ

در مورد این حرفه تنها سک مورد تقلب گزارش شده که مربوط به عرضه متقلبانه چارپایان است؛ به این ترتیب که نخست حیوان مرغوبی را عرصه می‌کنند، اما به صورت مخفیانه چارپای نامناسی را سلاخی می‌کنند.^۲

۱۳. قصاب

در مورد قصابان سه گزارش تقلب ذکر شده است. ۱. آمیختن گوشت بُز با گوشت گوسفند (ابن اخوه، ۱۳۶۰: ۸۹)، ۲. آمیختن پیه بُز به پیه گوسفند،^۳ تقلب در عرضه گوشت گوسفند ماده به جای گوسفند نر.^۳

۱۴. کیپاپز^۴

در مورد این حرفه دو تقلب ملاحظه شده است. ۱. آمیختن متقلبانه کله بز با کله گوسفند و ۲. آمیختن محتوای کلهٔ مانده با کله تازه.^۵

۱۵. طبّاخ

در مورد طبّاخان پنج مورد تقلب ذکر شده است. ۱. افزودن روغن اضافی برای فریفتن مشتریان برای نمایاندن آن به جای گوشت،^۲ به کارگیری ماده‌ای به نام قنبیل برای فریفتن مشتریان^۳ افزودن متقلبانه آرد گندم یا آرد برنج با هدف افزودن به وزن غذا،^۴ آمیختن شیر به گوشت بریان برای نمایاندن آن به عنوان چربی،^۵ به کارگیری برنج برای نمایاندن آن به جای روغن.^۶

۱ همان، ص ۸۵.

۲ همان، صص ۸۸-۸۹.

۳ همان، ص ۸۹.

۴ کیپا یا گیبیا به خوراک شکنجه گوسفند که در آن از موادی چون گوشت قیمه، برنج، لپه و غیره پر شده باشد، اطلاق می‌گردید. (محمد معین (۱۳۷۹)، همان، ج ۳، صص ۳۱۴۸-۳۱۴۹)

۵ ابن‌اخوه، همان، ص ۹۴.

۶ همان، صص ۹۵-۹۶.

۱۶. کباب پز^۱

به جز توصیه‌های فنی در مورد این حرفه، تقلبی در این مورد ذکر نشده است.^۲

۱۷. هریسه^۳ پز

عنوان پنجم ۵ قلب در مورد این حرفه ذکر شده است. اعم از ۱. ساختن هریسه از گوشت بز یا شتر به صورتی مخفیانه ۲. آمیختن گیاهی به نام گوش فیل (قلقاس) به گوشت هریسه ۳. آمیختن مخفیانه گوشت کله چهارپا به هریسه ۴. آمیختن مخفیانه هریسه شب مانده به هریسه تازه، ۵. به کارگیری روغن‌های مشابه نامرغوب در هریسه.^۴

۱۸. ماهی پز

در مورد ماهی پزان چهار قلب ملاحظه شده است. ۱. استفاده از آرد ابوملیح برای خوشرنگ و تازه نمایاندن ماهی ۲. مخلوط کردن ماهی مانده با ماهی تازه ۳. پخت ماهی با روغن نامرغوبی که از شکم ماهی گرفته می‌شود - پخت ماهی با روغنی نامرغوب با نام «بز».^۵

۱۹. زولیا پز

این‌اخوه تنها یک بار آن هم به صورت تلویحی از قلب در این حرفه سخن می‌گویند و آن پختن زولیا با روغن نامرغوب و معمولی است.^۶

۲۰. حلواپز

حلواپزان پنج مورد قلب داشته‌اند که عبارتند از: ۱. استفاده مخفیانه از عصیر لیموی سبز و عرضه آن به عنوان عسل ۲. استفاده از قند به جای عسل، ۳. به کارگیری بیش از اندازه از نشاسته در تهیه

۱ این نوع از کباب به صورتی متفاوت با آنچه امروز تهیه می‌شود، طبخ می‌گردید و ظاهراً آن به صورت پخته و سرخ کرده فراهم می‌گردید (ابن‌اخوه، همان، ص ۹۸).

۲ همان، ص ۹۸.

۳ هریسه خوراکی مشهور در ایران قرون میانه نیز محسوب می‌شد. برای نمونه یکی از آشپزان عهد صفوی از انواع این خوراک با عناوین، هریسه گندم، هریسه جو، هریسه شیر، هریسه برنج، هریسه مغز پسته و هریسه مرغ و غیره (محمد علی باورچی و نورالله آشپز، آشپزی دوره صفوی، به کوشش ایرج افشار، تهران: سروش، چ ۲، صص ۱۰۷-۱۱۳).

۴ ابن‌اخوه، همان، صص ۹۹-۱۰۰.

۵ همان، صص ۱۰۱-۱۰۲.

۶ همان، ص ۱۰۴.

خبيصه، رطبه و صابونی^۴. به کارگیری بیش از حد و سودجویانه از آرد،^۵ به کارگیری قند به جای شکر در ساخت شکر^۱.

۲۱. شربت پز

در مورد این حرفه پنج نوع تقلب مطرح شده که مشتمل است بر ۱. تهیه راوند چینی از ترکیب شیرین بیان ترک و سبزیجات^۲. آمیختن مزورانهٔ قارچ غاریقون^۳ با موادی که رنگ سفیدی به آن می‌دهد^۳. تهیه شیر خشت تقلبی با آمیختن آن با فانید^۴. آمیختن مواد نامرغوب برای تهیه عرق نیلوفر و عرق بلسان، آمیختن روغن عراقی با روغن شامی^۴. ابن‌اخوه در مورد این حرفه نکته‌های فنی و جزئیات مفصلی را ذکر می‌کند که علاوه بر اینکه نمایانگر پیچیدگی این حرفه است، نشان دهنده اطلاعات زیاد مولف در زمینه نیز می‌تواند باشد.

۲۲. عطار

شمار تقلب‌های حرفه عطاران به بیست و هفت مورد می‌رشد. به این شرح: ۱. آمیختن طباشیر با استخوان سوخته، ۲. آمیختن کندر با صمغ و قلفونیه به صورت مخفیانه^۳. ۳. ترکیب مواد نامرغوب برای ساختن مغشوش نوعی تمر هندی به نام عجین البلاد. آمیختن ریشه سوسن کوهی (یا زنجیل شامی) که موادی نامرغوب محسوب می‌شود با قسط شیرین به صورت متقلبانه، ۵. مغشوش کردن پیریزه با گوش فیل (قلقاس)، ۶. مغشوش کردن افیون با باقلای خشک کوبیده، ۷. آمیختن افیون با مامیثا^۵ و شیر کاهوی و صمغ، ۸. مغشوش نمودن مقل کبود با صمغ قوی، ۹. مغشوش نمودن پوست درخت کندر با پوسته درخت صنوبر، ۱۰. مغشوش نمودن زعفران با مواد تقلبی، ۱۱. مغشوش نمودن جنوی با موادی نامرغوب با کیتلانی، ۱۲. مغشوش نمودن جنوی با موادی چون معصل با کیتلانی، ۱۳. مغشوش نمودن مشک با موادی نظیر راوند ترکی، رامک قاطر، ۱۴. مغشوش نمودن مشک با آب و صمغ صنوبر و نظایر آن، ۱۵. مغشوش نمودن مشک با دم‌الغزال و روده

۱ همان، ص ۱۰۷.

۲ گونه‌ای از گیاهان خوراکی که به جهت طعم و مزه و نیز فوائد درمانی مورد توجه قرار داشته است (نک: محمد معین (۱۳۷۹)، همان، ج ۲، صص ۲۳۷۴-۲۳۷۵).

۳ فانید یا پانید به معنایی چون نوعی شکر خوراکی و طبیی، همچنین نوعی قند و نیز نوعی حلوا به کار رفته است (همان، ج ۱، ص ۶۸۴).

۴ همان، صص ۱۱۴-۱۱۶.

۵ نوعی گیاه از تیره کونکر که تخدیرکننده بوده و آن را خشک‌کنش تیغی نیز می‌نامند (محمد معین، همان، ج ۳، ص ۳۷۱۷).

۱۶. مغشوش نمودن مشک با نان سوخته ۱۷. مغشوش نمودن مشک با جگر سوخته، ۱۸. مغشوش نمودن ماء ورد (گلاب) یا عرق گل دمشق، ۱۹. مغشوش نمودن عنبر با زبان گنجشک، ۲۰. مغشوش نمودن عنبر با دفر رنگین ۲۱. مغشوش نمودن هلیله با ترکیبی از عسل و خربزه مانده، ۲۲. مغشوش نمودن عنبر با کف دریا با موادی چون صمغ سیاه، موم سفید، سنبل، عود و سندروس، ۲۳. مغشوش نمودن عود هندی با صندل و تبرید، ۲۴. مغشوش نمودن عود هندی با پوسته چوبی به نام ابلین، ۲۵. مغشوش نمودن عود هندی با چوب زیتون، ۲۶. مغشوش نمودن کافور با تراشه پرورده خراطان، ۲۷. مغشوش نمودن کافور با آب صمغ سفید خمیر کرده، ۲۸. مغشوش نمودن کافور از سنگ نوشادر، ۲۹. مغشوش کردن کافور با هسته غوره خرما.^۱

۲۳. شمع ساز

در مورد شمع سازان پنج تقلب گزارش شده است. ۱. مغشوش کردن شمع با زیتون غلیظ ۲. مغشوش کردن مواد اصلی با آرد باقلا و نخود کوبیده، ۳. مغشوش نمودن شمع سفید با شمع نامرغوب سیاه یا زنجاری ۴. مغشوش نمودن شمع با مواد نامرغوب و پنهان کردن آن از دید مشتریان، ۵. مغشوش نمودن شمع از طریق پنهان کردن پنبه در زیر شمع مرغوب.^۲

۲۴. فروشنده (خرده فروش)^۳

ابن اخوه شش تقلب در این مورد ذکر کرده است. ۱. آمیختن سرکه کهنه با سرکه تازه، ۲. مغشوش کردن سکه با آمیختن آب به آن، ۳. آمیختن عسل نی با آب گرم، ۴. مغشوش کردن زیتون یا روغن کنجد با روغن کاجیره، ۵. مغشوش کردن عسل با آب، ۶. مغشوش کردن عسل با صمغ.^۴

۲۵. شیرفروش

در مورد این حرفه تنها یک تقلب ثبت شده است که شامل مغشوش کردن شیر با آب است^۵

۱ همان، صص ۱۱۹-۱۲۴.

۲ همان، صص ۱۲۵.

۳ در متن اصلی عربی واژه «البتاعین» آمده است (ابن اخوه، همان، صص ۱۲۸) و بتاع به کسی که بسیار می فروشد گفته می شود. با توجه به تنوع محصولاتی که برای این حرفه ذکر شده می توان گفت به خواربار فروش یا خرده فروش اشاره دارد. روبن لوی نیز آن را به معنای کلسب خرده پا و یا خرده فروش به کار گرفته است (Ibn Al-Ukhuwwa (1938), *The Ma'ālim al-* Edited and translated by Reuben Levy, Cambridge: Cambridge University press, p40) مترجم فارسی این اثر توضیحی در این مورد ذکر نکرده است.

۴ همان، صص ۱۲۶، ۱۲۸.

۵ همان، صص ۱۰۷.

انتساب این تقلب به شیرفروشان بسیار مشهور است و در آثار دیگری هم دیده شده است^۱ علاوه بر این، برخی منابع از قدمت این تقلب در روزگار عمر بن خطاب در صدر اسلام حکایت دارد.^۲

۲۶. بزاز

در مورد این حرفه دوازده نمونه تقلب ثبت شده است. ۱. ارتکاب به «نجش» که عبارت است از مطرح کردن و یا داوطلب شدن برای خرید کالا به قیمتی بیش‌تر و سپس نخریدن آن به منظور خریدن ارزان‌تر آن از همان شخص^۲. گران فروشی^۳. بر هم زدن معامله دیگران با فریب خریدار از طریق تطمیع وی به شرایط مطلوب‌تر^۴. سوء استفاده از صحرانشینان در خرید و فروش^۵. تدلیس در معامله به صورت کالا به کالا^۶. تقلب در فروش کالا به صورت نقد و نسیه^۷. تقلب در تعیین قیمت کالای فروخته شده^۸. تقلب در فروش کالای در اختیار نداشته^۹. عرضه کالاهای نامرغوب به ظاهر مرغوب و پنهان کردن عیب کالا،^{۱۰} قیمت‌گذاری و فروش کالای خریداری شده به صورت نسیه و فروش آن به صورت نقدی،^{۱۱} قیمت‌گذاری و خرید به قیمت کالای معیوب و فروش آن به قیمت کالای سالم،^{۱۲} تدلیس از طریق تبانی با دیگر پیشه‌وران و افراد دیگر برای اثبات درستی در بیان قیمت خرید کالا،^{۱۳} تدلیس در بیان قیمت تمام شده کالا.^۲

روش ارائه مطالب ابن‌اخوه در این بخش، قدری با بخش‌های دیگر متمایز است. مؤلف، بیش‌تر به تقلب در نحوه خرید و فروش و به بیان قیمت کالای این حرفه توجه می‌کند. به طوری که به شیوه‌های مختلف، خریدار آگاهانه از سوی فروشنده اغفال می‌شود.

۲۷. دلال

در مورد دلالان سه مورد تقلب گزارش شده است. ۱. افزودن غیر متعارف بر قیمت کالا،^۲ افزایش قیمت بر خلاف نظر بازرگان صاحب کالا و خود را مالک کالا وانمود کردن^۳. تدلیس دلال با سمساران شهر برای خرید کالای بازرگان، زیر قیمت و گرفتن دستمزد از خریدار علاوه بر فروشنده ابن‌اخوه در مورد این حرفه، سخت‌گیری ویژه‌ای اعمال می‌دارد؛ گویی که از نظر او وجود تقلب و تخلف در این حرفه امری بسیار محتمل بوده است. مؤلف می‌نویسد که برای ورود افراد به این حرفه باید «امانت» و

۱ الشیخلی (۱۳۶۲)، همان، صص ۱۱۸، ۱۴۲.

۲ همان، صص ۱۲۹؛ تنوی، همان، ج ۲، صص ۱۱۴۱.

۳ همان، صص ۱۳۱-۱۳۴.

«صدقت» آن شخص «در شغل دلالی» توسط افرادی معتمد تأیید قرار گیرد.^۱

۲۸. پارچه باف

برای پارچه بافان دو مورد تقلب ثبت شده است. ۱. آلودن پارچه با آرد و گچ پخته برای محکم نشان دادن آن.^۲ ۲. تدلیس در بافتن پارچه به طوری که روی پارچه خوب بافته می شود.^۳

۲۹. خیاط

در مورد این حرفه دو مورد تقلب ذکر شده است. ۱. سنگین تر کردن وزن پارچه از طریق نمک و خیس کردن آن به منظور افزایش میزان دستمزد،^۴ ۲. تدلیس در وعده دادن برای اتمام کار وعده داده شده^۵ لفظ دزدیدن و اتهام این حرفه به عمل مذکور موضوعی است که در برخی منابع نیز گزارش شده است. برای نمونه مولانا جلال الدین بلخی در مثنوی معنوی از متون سده هفتم هجری، داستانی را در مورد خیاطی ذکر می کند که به شیوه‌ای ماهرانه از پارچه گران قیمت مشتری خود دزدی می کرد و البته نزد اهالی شهر به این کار شهرت داشت «گفت خیاطی ست نامش پور شش/اندر این چستی و دزدی خلق کش».^۵

۳۰. رفوگر

در مورد این حرفه تنها یک عنوان تقلب ذکر شده است. ۱. منتقل کردن نقش و نگار لباس‌های مردم به لباس‌های دیگران برای کسب منفعت.^۶

۳۱. گازر

این‌خوه سه مورد تقلب به این حرفه آورده است. ۱. دزدیدن و کتمان کردن پارچه‌های مردم،^۷ ۲. خیانت در امانت مشتریان و استفاده شخصی از لباس مردم، ۳. به کرایه دادن لباس و امانت مردم.^۷

۱ همان، صص ۱۳۵-۱۳۶.

۲ همان، صص ۱۳۷.

۳ این‌خوه در این خصوص دقیقاً از لفظ دزدیدن استفاده کرده است «و يعتبر علیهم مایسرقونه» (محمدبن محمدبن احمد قرشیابن‌خوه (۱۹۳۷)، معالم القریه فی احکام الحسیه، به اهتمام روبن لیوی، کمبریج: دارالفنون، ص ۱۳۷). ظاهراً در اینجا دستمزد خیاط‌ها بر اساس وزن پارچه در نظر گرفته می شده است (ابن‌خوه (۱۳۶۰)، ص ۱۳۹).

۴ همان، صص ۱۳۹.

۵ بلخی، همان، صص ۸۹۹.

۶ همان، صص ۱۳۹.

۷ این‌خوه، همان، صص ۱۴۰.

۳۲. کلاه دوز

درباره کلاه دوزان تنها یک مورد تقلب ملاحظه می‌شود و آن تدلیس در به کارگیری مجدد پارچه‌های کهنه رنگ کرده و عرضه آن‌ها به عنوان پارچه‌های تازه و مرغوب است^۱ ظاهراً الشیخی محقق عرب این تقلب را تنها در کتاب ابن‌اخوه یافته است.^۲

۳۳. حریرباف

حریربافان به چهار تقلب منسوب شده اند. ۱. آمیختن حریر شامی به حریرهای نامرغوب^۳. ۲. آمیختن دو پارچه مختلف و متفاوت «حریر قز رنگ کرده» و «قطارش رنگ کرده»،^۳ فریفتن مشتری با سنگین کردن حریر نشاسته پرورده و روغن زیتون^۴. تدلیس در قرار دادن گره‌هایی به غیر از حریر در پارچه.^۳

۳۴. رنگرز

در مورد رنگرزان در اثر ابن‌اخوه سه تقلب ذکر شده است. ۱. رنگ کردن رشته و جامه با حنا به جای روناس^۲. به کارگیری ماده‌ای به نام جراد به جای رنگ سرمه‌ای که در نتیجه رنگ به زودی از میان می‌رود^۳. سوء استفاده از لباس‌های مردم و کرایه دادن و خیانت در امانت^۴. ۴. آمیختن مواد مختلف با رنگ با هدف سودجویی.^۴

۳۵. پنبه فروش

در مورد پنبه فروشان دو مورد تقلب قابل ملاحظه است. ۱. آمیختن پنبه تازه و کهنه و سرخ و سفید^۲. تدلیس در نگهداری پنبه در جای سرد به منظور افزایش وزن و قیمت.^۵

۳۶. کتان فروش

یک مورد تقلب ذکر شده است که آمیختن انواع مختلف مرغوب و نامرغوب با یکدیگر مربوط می‌شود.^۶

۱ همان، صص ۱۳۹.

۲ همان، صص ۱۴۰.

۳ همان، صص ۱۴۱.

۴ همان، صص ۱۴۲-۱۴۳.

۵ همان، صص ۱۴۴.

۶ همان، صص ۱۴۵.

۳۷. زرگر

در مورد پیشه زرگران سه مورد تقلب در حسبه نامه ابن‌اخوه ذکر شده است. ۱. دزدیدن از مواد اصلی کار و آمیختن مس و دیگر مواد کم ارزش تر به کالای تولیدی، ۲. افزودن چیزهایی کم ارزش در زیر نگین انگشتری، ۳. عرضه شیشه رنگ کرده به جای نگین مؤلف ضمن بیان این حرفه اشاره می‌کند که محاسبان احتمالاً به دلیل تخصصی بودن این حرفه قادر به درک و شناسایی تقلب‌های این حرفه نیستند «باری تدلیس و تقلب زرگران نهانی^۱ است و به سختی آشکار می‌شود و تنها امانت داری و دیانت ایشان می‌تواند آنان را از تقلب باز داد».^۲

۳۸. مسگر

درباره مسگران دو مورد تقلب دیده می‌شود. ۱. به کارگیری مواد کهنه و کار کرده و عرضه آن‌ها به عنوان مواد نو و دست‌اول^۲. ۲. تدلیس در بیان قیمت کالا.^۳

۳۹. آهنگر

در اثر ابن‌اخوه در خصوص حرفه آهنگران به دو مورد تقلب اشاره شده است ۱. ساختن ابزار تولیدی این حرفه نظیر کارد، مقراض با استفاده از «نرم آهن» و عرضه آن به جای فولاد، ۲. به کارگیری ابزارهای دسته دوم و فروش آن به عنوان ابزار نو و دست‌اول.^۴ ابن‌اخوه عبارتی را در مورد وظیفه محاسب برای تنبیه آهنگران به کار می‌برد که به جهت اهمیت حرفه آهنگران، قابل توجه است: «محاسب باید... متقلب را تعزیر کند و بر ملا سازد و اگر تکرار کند از میان مسلمانان تبعیدش کند»^۵ این مجازات در مورد هیچ حرفه‌ای در این اثر به کار نرفته است و به عنوان جایگاه اجتماعی و اقتصادی این حرفه قابل تفسیر است.

۱ نکته جالب توجه در مورد زرگران این است که آن‌ها ویژگی‌های دیگر هم دارند که بر این روش نهانی و پنهانی امرار معاش و فعالیت اقتصادی ایشان تأکید می‌کند. این موضوع در زبان نسبتاً مخفیانه و خاص ایشان در ایران که به زبان زرگری مشهور و درک و فهم آن برای غیر از زرگران دشوار بوده است، خود را نمایان می‌سازد. در مورد ویژگی‌های این زبان برای نمونه مراجعه کنید به: (مهدی کیوانی (۱۳۹۲)، *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*، ترجمه یزدان فرخی، تهران: انتشارات امیرکبیر، صص ۱۹۴-۱۹۵).

۲ همان، صص ۱۴۸-۱۴۹.

۳ ابن‌اخوه، همان، ص ۱۵۰.

۴ همان، ص ۱۵۱.

۵ همان‌جا.

۴۰. کفشگر

در مورد این حرفه تنها یک مورد تقلب ملاحظه می‌شود و آن هم مربوط به «مماطله» یا خُلف وعده کردن در انجام کار تعهد شده به منظور گرفتن سفارش کارهای متعدد است.^۱ عمده موارد حسبه مطرح شده در مورد این حرفه، نکته‌های مربوط به آموزش‌های فنی و تکنیکی حرفه مذکور است.

۴۱. سمسار برده

تنها یک مورد تقلب به اعضای این پیشه منسوب شده است و آن سوء استفاده از کنیزان و برده‌ها به نفع شخصی سمسار و یا واسطه، بدون اطلاع صاحب و فروشنده آن‌ها است.^۲

۴۲. دلال املاک

دو مورد تقلب درباره این حرفه ذکر شده است. ۱. فروش املاک شبهه آلود ۲. تبانی با خریدار ملک برای فروختن ارزان‌تر با هدف دریافت حق الزحمه از خریدار.^۳

۴۳. سدر فروش

چهار مورد تقلب برای این حرفه ذکر شده است. ۱. آمیختن مواد نظیر برگ درختان بید و توت به صورت متقلبانه در تولید کالا، ۲. آمیختن سدر با موادی مثل سراده یا هسته کنار به صورتی متقلبانه، ۳. آمیختن متقلبانه لویا گرگی (ترمس) به اشنان، ۴. آمیختن آرد باقلا به مواد دیگر سدر.^۴

۴۴. فروشنده ظروف سفالین و کوزه

تنها یک مورد تقلب به این حرفه منسوب شده است. مورد اخیر به فروش ظروف شکسته و تعمیر شده به عنوان کالای سالم می‌مربوط شود.^۵

۴۵. فخار

تنها یک مورد تقلب در مورد این حرفه ذکر شده که آن هم به فروش کوزه شکسته و تعمیر شده

۱ همان، ص ۱۵۲.

۲ همان، ص ۱۵۷.

۳ همان، صص ۱۵۶-۱۵۸-۱۵۹.

۴ همان، ص ۱۶۴.

۵ همان، ص ۲۱۰.

به عنوان کالای سالم مربوط می‌شود.^۱

۴۶. سفالگر (غضارین)

در مورد این حرفه تنها یک ثقلب به ثبت رسیده است. این مورد مربوط به تدلیس در عرضه یک نمونه کالای خوب نظیر یک جام با کیفیت و تدلیس در تحویل بقیه سفارش مشتری است.^۲

۴۷. سوزن گر

تنها یک مورد ثقلب در این حرفه آمده است و آن مخلوط کردن «نرم آهن» و فولاد با یکدیگر و عرضه آن به صورت فولاد و جنس مرغوب می‌باشد.^۳

۴۸. جوالدوز

در مورد این حرفه تنها به ذکر نکته‌های فنی اکتفا شده و تخلفی برای آن ثبت نشده است.^۴

۴۹. دوک ساز

ابن‌اخوه این حرفه را بدون ذکر تخلف شرح داده است و تنها بر موضوع اخلاقی پاکدامنی دوک‌سازان در برابر مشتریان زن تاکید می‌کند.^۵

۵۰. حنا فروش

تنها یک مورد ثقلب در باب این حرفه گزارش شده است و آن آمیختن ریگ و روغن کنان به مواد اصلی حنا است.^۶

۵۱. شانه ساز

جز ذکر نکته‌های فنی در مورد این حرفه تخلفی برای این حرفه گزارش نکرده است.^۷

۱ همان، ص ۲۱۲.

۲ ابن‌اخوه، همان، ص ۲۱۲.

۳ همان، ص ۲۱۳.

۴ همان، صص ۲۱۳-۲۱۴.

۵ همان، ص ۲۱۵.

۶ همان، ص ۲۱۶.

۷ همان، ص ۲۱۷.

۵۲. سازنده روغن کتان

تنها یک مورد تقلب در باب این حرفه گزارش شده است و آن هم آمیختن روغن شیرین «الزیت الحلو» به روغن کتان و عرضه آن به عنوان روغن خالص کتان است.^۱

۵۳. سازنده روغن کنجد

تنها یک مورد تقلب در باب این حرفه گزارش شده است و آن آمیختن روغن کاجیره به روغن کنجد و عرضه آن به عنوان روغن خالص کنجد است.^۲

۵۴. غربال ساز

در باب این حرفه سه عنوان تقلب ذکر شده است. ۱. به کارگیری موی چارپای مرده که ریز و شکننده است، ۲. به کارگیری فرایندی که موقتاً موی و مواد به کار رفته در کالای تولیدی را مقاوم نشان می‌دهد، ۳. استفاده از پوست حیوان مرده.^۳

۵۵. دباغ

تعداد دو تقلب در این مورد ذکر شده است. ۱. کم کاری در فرایند تولید و کار بر روی پوست در حوض‌های آب و صمغ یمانی، ۲. به کارگیری ماده‌ای به نام مازو به جای صمغ یمانی.^۴

۵۶. مَشک ساز

در مورد این حرفه تنها یک تقلب ذکر شده است که شامل به کارگیری پوست حیوان مرده به جای ذبیحه که در عمل پوست نامرغوبی به مشتری عرضه می‌شد.^۵

۵۷. نم‌مال

یک مورد تقلب در این مورد ذکر شده است و آن هم به کارگیری پشم حیوان میت‌ه و نامرغوب در نم‌مال است.^۶

۱ همان، ص ۲۱۹.

۲ همان، ص ۲۱۹.

۳ همان، ص ۲۲۰.

۴ همان، ص ۲۲۲.

۵ همان، ص ۲۲۲.

۶ همان، ص ۲۲۳.

۵۸. پوستین دوز

تنها یک تقلب در این حرفه دیده شده و آن آمیختن پوستین کهنه و وصله‌دار با تازه و دست اول است.^۱

۵۹. حصیرباف

به جز نکته‌های فنی و آموزشی به تخلف و تقلب اشاره‌ای نشده است.^۲

۶۰. کرکره ساز

دو مورد تقلب در این حرفه دیده شده است. ۱. کم فروشی در عرضه کرکره به مردم، ۲. افزایش قیمت کالا برای افراد غریب و نا آشنا.^۳

۶۱. کاه فروش

دو مورد تقلب در این حرفه ذکر شده است. ۱. آمیختن کاه باقلا، شبدر، عدس و ریشه‌های گندم در کاه گندم، ۲. کم فروشی و کاستن از جوال کاه پس از اندازه گیری آن‌ها به صورت مخفیانه و متقلبانه.^۴

۶۲. چوب فروش

به جز نکته‌های، تقلبی در مورد این حرفه گزارش نشده است.^۵

۶۳. الوار فروش

تنها یک مورد تقلب از این حرفه گزارش شده و آن تقلب در بیان خرید نوع الوار به قصد اغفال کردن مشتری است.^۶

۶۴. بنا

شمار سه عنوان تقلب در مورد این حرفه به ثبت رسیده است. ۱. کوچک شمردن و کم هزینه تخمین

۱ این‌خوه، همان، ص ۲۲۴

۲ همان، صص ۲۲۵-۲۲۶.

۳ همان، ص ۲۲۶.

۴ همان، ص ۲۲۷.

۵ همان، ص ۲۲۸.

۶ همان‌جا.

زدن کار کارفرما به قصد رغبت کارفرما به آغاز کار و موفق شدن به گرفتن سفارش کار، ۲. کم کاری و کاستن از زمان کار روزانه با مشخص کردن میزان معین دستمزد، ۳. تبانی با گنج فروش و ساروج فروش و دریافت رشوه از ایشان برای استفاده از مواد نامرغوب به جای مواد مرغوب.^۱

۶۵. نجار

تعداد دو عنوان تقلب در مورد این حرفه به ثبت رسیده است. ۱. کوچک شمردن و کم هزینه تخمین زدن کار کارفرما به قصد ترغبت کارفرما به آغاز کار و موفق شدن به گرفتن سفارش کار ۲. کم کاری و کاستن از زمان کار روزانه همزمان با مشخص کردن میزان معین دستمزد در یک روز.^۲

۶۶. روغن‌گر (نقاش)

شمار سه عنوان تقلب در مورد این حرفه به ثبت رسیده است. ۱. کوچک شمردن و کم هزینه تخمین زدن کار کارفرما به قصد رغبت کارفرما به آغاز کار و موفق شدن به گرفتن سفارش کار، ۲. کم کاری کمی و کاستن از زمان کار روزانه با مشخص کردن میزان معین دستمزد، کم کاری در انجام کیفی کار نقاشی.^۳

۶۷. ساروج فروش

در مورد این حرفه دو تقلب ملاحظه می‌شود. ۱. آمیختن متقالبانه مواد دیگر به ساروج به قصد انتفاع، ۲. پرداخت رشوه به بنایان برای فروختن ساروج نامرغوب به قیمت کالای مرغوب.^۴

۶۸. برنج فروش

در این مورد دو تقلب ضبط شده است. ۱. آمیختن نمک به برنج و فروش آن به عنوان برنج خالص و مرغوب. ۲. پنهان کردن خرده برنج و یا برنج نامرغوب در زیر برنج مرغوب.^۵

۱ همان، صص ۲۲۹-۲۳۰.

۲ همان، ص ۲۲۹.

۳ همان، صص ۲۲۹-۲۳۱.

۴ در اصل جیارین بوده است و منظور تولید کننده و سازنده ساروج و در عین حال فروشنده این مواد و مصالح ساختمانی است.

۵ همان، ص ۲۳۰؛ در ترجمهٔ فارسی تقلب این پیشه از قلم افتاده است. اما در نسخهٔ عربی روبن لیوی به واژه «جیارین»

اشاره کرده است.

۶ همان، ص ۲۳۲.

۶۹. فروشنده بادبزن

ابن‌اخوه حسب این حرفه را بدون ذکر تخلف آن‌ها و به شرح نکته‌های فنی اکثفا کرده است.^۱

۷۰. فروشنده گوگرد

ابن‌اخوه حسب این حرفه را بدون ذکر تخلف آن‌ها و به شرح نکته‌های فنی اکثفا کرده است.^۲

۷۱. فروشنده جاروب

تنها یک مورد تقلب در مورد این حرفه دیده می‌شود و آن کم فروشی و عرضه متقلبانه جارو به طوری که مشتری از ظاهر آن تصور کند که مقدار بیشتر جارو خریداری کرده است.^۳

۷۲. صمغ ساز

در مورد این حرفه دو مورد تقلب ملاحظه می‌شود. ۱. آمیختن خاک اره، ریگ و روغن زیتون به صورتی متقلبانه در صمغ ۲. آمیختن زفت خشک با نان سوخته.^۴

۷۳. گچ فروش

تنها یک تقلب در مورد این حرفه ثبت شده و آن تبانی آن‌ها با بنایان و دادن رشوه برای فروختن گچ نامرغوب به قیمت گچ مرغوب است.^۵

۷۴. سفید کار

ابن‌اخوه به جز ذکر نکته‌های فنی در مورد این حرفه، تخلفی برای این حرفه گزارش نکرده است.^۶

۷۵. کارگر (فعله)

ابن‌اخوه به جز ذکر نکته‌های فنی در مورد این پیشه، تخلفی برای این حرفه گزارش نکرده است.^۷

۱ همان، ص ۲۳۲.

۲ همان‌جا.

۳ همان، ص ۲۳۳.

۴ صمغ مطابق متن کتاب اشاره به نوعی از «قیر» است و این حرفه به سازنده و عرضه کننده قیر مربوط می‌گردد.

۵ ابن‌اخوه، همان، ص ۲۳۳.

۶ در اینجا منظور تولید کننده و در عین حال فروشنده گچ است.

۷ ابن‌اخوه، همان، ص ۲۳۰.

۸ همان‌جا.

۷۶. دلالت ستور

ابن‌اخوه به جز ذکر نکته‌های فنی در مورد این پیشه، تخلفی برای این حرفه گزارش نکرده است.^۲ گزارش به دست آمده از تقلب پیشه‌وران را می‌توان بر اساس نوع حرفه و گونه‌های شغلی آن‌ها به هفت دسته تقسیم نمود. ۱. اغذیه فروشان و فروشندگان مواد غذایی ۲. ابزار سازان و تولیدکنندگان کالاهای غیر خوراکی ۳. دوزندگان و بافندگان ۴. صنعتگران ساختمانی ۵. دلالت‌ها ۶. فروشندگان کالاهای غیر خوراکی ۷. مشاغل خدماتی

جدول ۱ فراوانی تخلفات پیشه‌وران در حرفه اغذیه فروشان و تولید کنندگان مواد غذایی					
ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب	ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب
۱	کباب پز	۰	۱۳	سقا	۳
۲	زولیاپز	۱	۱۴	قصاب	۳
۳	شیر فروش	۱	۱۵	ماهی پز	۴
۴	سلاخ	۱	۱۶	لکانه پز	۴
۵	فروشنده نخود و باقلا	۱	۱۷	طباخ	۵
۶	سازنده روغن کتان	۱	۱۸	بریانگر	۵
۷	سازنده روغن کنجد	۱	۱۹	هرسه پز	۵
۸	نانوا	۲	۲۰	حلواپز	۵
۹	کیپا پز	۲	۲۱	شریت ساز	۵
۱۰	برنج فروش	۲	۲۲	فروشنده (خرده فروش)	۶
۱۱	علاف	۲	۲۳	بوردی	۶
۱۲	جگرپز	۳	۲۴	عطار	۲۹
جمع تعداد تخلف			۹۷		

→

۱ همان‌جا.

۲ ابن‌اخوه، همان، ص ۱۵۸.

جدول ۲ فراوانی تخلفات پیشه‌وران در حرفه‌های مرتبط با دوزندگان و بافندگان					
ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب	ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب
۱	حصیرباف	۰	۶	نمد مال	۱
۲	کلاهدوز	۱	۷	خیاط	۲
۳	رفوگر	۱	۸	پارچه باف	۲
۴	پوستین دوز	۱	۹	حریرباف	۴
۵	کفشگر	۱			
جمع تعداد تخلف			۱۳		

جدول ۳ فراوانی تخلفات پیشه‌وران در حرفه‌های مرتبط با صنعتگران ساختمانی					
ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب	ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب
۱	سفیدگر	۰	۳	بنا	۳
۲	کارگر	۰	۴	نقاش	۳
جمع تعداد تخلف			۶		

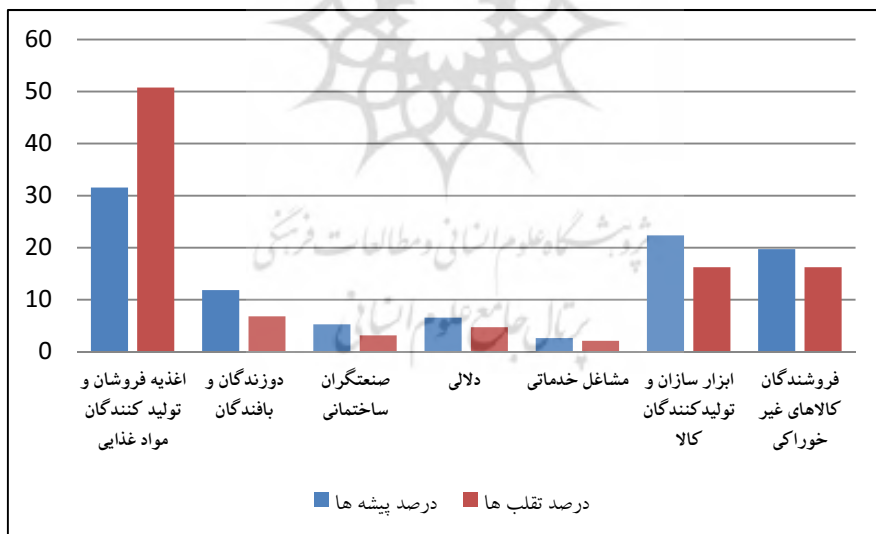
جدول ۴ فراوانی تخلفات پیشه‌وران در حرفه‌های مرتبط با دلالی					
ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب	ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب
۱	دلالتور	۰	۴	دلالتور	۳
۲	سمسار برده	۱	۵	صراف	۳
۳	دلالتور	۲			
جمع تعداد تخلف			۹		

جدول ۵ فراوانی تخلفات پیشه‌وران در حرفه‌های مرتبط مشاغل خدماتی					
ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب	ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب
۱	آسیابان	۱	۲	گاز	۳
جمع تعداد تخلف			۴		

جدول ۶ فراوانی تخلفات پیشه‌وران در حرفه‌های مرتبط با ابزار سازان و تولیدکنندگان کالاهای غیر خوراکی					
ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب	ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب
۱	دوک ساز	۰	۱۰	صمغ ساز	۲
۲	شانه ساز	۰	۱۱	دباغ	۲
۳	جوالدوز ساز	۰	۱۲	نجار	۲
۴	فخار	۱	۱۳	آهنگر	۲
۵	سفال گر	۱	۱۴	غریال ساز	۳
۶	سوزن گر	۱	۱۵	زرگر	۳
۷	مشک ساز	۱	۱۶	رنگرز	۴
۸	کرکره ساز	۲	۱۷	شمع ساز	۵
۹	مسگر	۲			
جمع تعداد تخلف			۳۱		

جدول ۷ فراوانی تخلفات پیشه‌وران در حرفه‌های فروشندگان کالاهای غیر خوراکی					
ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب	ردیف	نام پیشه	تعداد تقلب
۱	فروشنده بادبزن	۰	۹	کمان فروش	۱
۲	فروشنده گوگرد	۰	۱۰	کاه فروش	۲
۳	گیج فروش	۱	۱۱	چوب فروش	۲
۴	فروشنده جاروب	۱	۱۲	پنبه فروش	۲
۵	حنافروش	۱	۱۳	ساروج فروش	۲
۶	طلافروش	۱	۱۴	سدر فروش	۴
۷	فروشنده ظروف سفالین و کوزه	۱	۱۵	بزاز	۱۲
۸	الوارفروش	۱			
جمع تعداد تخلف			۳۱		

ردیف	گونه حرفه‌ها	تعداد پیشه‌ها	درصد تعداد پیشه‌ها در مجموع پیشه‌وران	تعداد تقلب	درصد تعداد تقلب به مجموع تقلب‌ها
۱	حرفه‌های مرتبط با اغذیه فروشان و تولید کنندگان مواد غذایی	۲۴	۳۱.۵۷	۹۷	۵۰.۷۸
۲	حرفه‌های مرتبط با دوزندگان و بافندگان	۹	۱۱.۸۴	۱۳	۶.۸۰
۳	حرفه‌های مرتبط با صنعتگران ساختمانی	۴	۵.۲۶	۶	۳.۱۴
۴	حرفه‌های مرتبط با دلالی	۵	۶.۵۷	۹	۴.۷۱
۵	حرفه‌های مرتبط مشاغل خدماتی	۲	۲.۶۳	۴	۲.۰۹
۶	حرفه‌های مرتبط با ابزار سازان و تولید کنندگان کالا	۱۷	۲۲.۳۶	۳۱	۱۶.۲۳
۷	حرفه‌های مرتبط با فروشندگان کالاهای غیر خوراکی	۱۵	۱۹.۷۳	۳۱	۱۶.۲۳
	جمع کل	۷۶	۱۰۰	۱۹۱	۱۰۰



جدول مقایسه‌ای فراوانی تخلفات و تقلب‌های آن‌ها

بررسی و تحلیل دستاوردهای کمی

بر پایه یافته‌های این تحقیق، ۷۶ عنوان پیشه و حرفه با تعریف مشخص شده در ابتدای این مقاله شناسایی شده است. در مجموع این‌خوه از ۱۹۲ مورد تقلب پیشه‌وران سخن به میان آورده است. در این میان بیش‌تر توجه این‌خوه به حرفه‌های مرتبط با تهیه، تولید و فروش مواد غذایی است که شامل ۲۴ حرفه و پیشه می‌گردد و یک سوم از مجموع کل مشاغل شناسایی شده را تشکیل می‌دهد. این امر از اهمیت این گروه از پیشه‌وران از نظر این‌خوه و نهاد حسبه در سده هفتم هجری در جامعه مصر حکایت دارد. نتایج به دست آمده از این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که طیف اخیر از پیشه‌وران، بخش بسیاری از تقلب مشاغل را نیز در کارنامه خود داشتند. به عبارتی دیگر، از یک سو پیشه‌های مرتبط با خوراک و تغذیه جامعه از نظر نهاد حسبه حائز اهمیت و حساسیت بیش‌تری بودند و از سوی دیگر در خود امکان و زمینه ارتکاب تقلب بیش‌تری را نیز داشتند. مطالعه آمار به دست آمده چنین حکایت می‌کند که حدود بیش از ۵۰ درصد تقلب‌ها در این طیف از مشاغل روی داده است. از این میان بیش‌ترین شمار تقلب، در خصوص حرفه عطاران گزارش شده است. شمار ۲۹ مورد تقلب از مجموع ۱۹۱ تقلب و حدود ۱۵.۵ درصد از مجموع کل تقلب‌های به دست آمده از اثر این‌خوه به این حرفه متعلق است.

پس از اغذیه فروشان، حرفه‌های مرتبط با ابزار سازان و تولیدکنندگان کالا و سپس حرفه‌های مرتبط با فروشندگان کالاهای غیر خوراکی با آمار تقریباً مشابه بیش از ۱۶ درصد تقلب‌ها و در حدود ۲۰ درصد از شمار پیشه‌های اشاره شده در اثر این‌خوه را تشکیل می‌دهند. سرانجام کم‌ترین میزان تقلب آن‌ها به طیف مشاغل خدماتی یعنی دو حرفه آسیابانی و گازی اختصاص یافته است.

در این میان همچنین مشاغلی نیز وجود داشتند که این‌خوه گزارشی از تقلب و تدلیس آن‌ها به دست نمی‌دهد که شمار ۹ حرفه و حدود ۱۱.۸۴ درصد از مجموع کل پیشه‌وران شناخته شده را تشکیل می‌دادند. در میان این حرفه‌ها برخی را می‌توان مشاغل فاقد اهمیت (از نظر نهاد حسبه) و برخی را مشاغل محدود لقب داد که در آن احتمالاً به دلیل محدود بودن کالای عرضه شده و یا سرشت آن کالا و خدمات، امکان تقلب و یا تنوع آن فراهم نمی‌شده است (مانند فروشنده بادبزین).

بررسی و تحلیل دستاوردهای کیفی

دستاوردهای کمی به دست آمده از خلال کتاب معالم‌القریبه فی احکام الحسبه در مورد تقلب‌های

پیشه‌وران بخشی از محتوایی است که ابن‌اخوه درباره پیشه‌وران در دسترس قرار می‌دهد. بخش دیگری که از نگاه تاریخ اجتماعی ارزشمند و قابل توجه است، به محتوای کیفی و غیر آماری این اثر مربوط می‌شود. یعنی برخی گزارش‌ها که ابن‌اخوه درباره پیشه‌وران می‌دهد، اهمیت بیشتری از یافته‌های آماری گزارش شده دارد. برای نمونه می‌توان به حرفه آهنگر اشاره کرد که علی‌رغم تعداد اندک قلب‌های گزارش شده در مورد این حرفه، این بر اهمیت قلب‌های خاص این حرفه به این صورت اشاره و تأکید می‌کند که متقلبان در صورت تکرار به تبعید از سرزمین اسلامی محکوم می‌شوند. این حکم در مورد هیچ یک از حرفه‌های مطرح شده در *معالم‌التربیه فی احکام‌الحسبه* به کار نرفته و سخت‌گیری ابن‌اخوه در مورد با تدلیس‌ها و قلب‌های این حرفه استثنائی است.^۱

ابن‌اخوه در مورد لکانه‌پزان از چهار مورد قلب سخن می‌گوید، اما ضمناً تأکید می‌کند که قلب‌ها مکرر و متعدد صورت می‌گرفته است. وی این مطالب را حتی در مورد پیشه‌ای مانند عطاران که بیش‌ترین قلب را در موردش ذکر کرده است، مطرح نمی‌کند. همچنین باید به گزارش ابن‌اخوه در مورد زرگران اشاره کرد که ابن‌اخوه به صراحت از بی‌اطلاعی خود و دیگر محاسبان در مورد قلب‌های زرگران سخن به میان می‌آورد. وی همان‌طور که بیشتر اشاره شده از «نهانی» بودن قلب زرگران و «به سختی آشکار» شدن تدلیس‌های این حرفه سخن می‌گوید. همین نکته را می‌توان دلیل خوبی برای احتیاط در تحلیل‌های کمی و ارزیابی میزان قلب‌های گزارش شده و به دست آمده، به شمار آورد.

نتیجه‌گیری

این پژوهش در پی آن بوده است تا با ارائه تعریفی مشخص از مسئله قلب در میان پیشه‌وران بر اساس کتاب *معالم‌التربیه فی احکام‌الحسبه*، ویژگی و عرصه‌ای معین از زندگی روزمره پیشه‌وران را مورد بررسی قرار دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حاسبه‌نامه مذکور در زمینه روشن ساختن زندگی روزمره پیشه‌وران و به ویژه انعکاس قلب‌های شغلی پیشه‌وران و فعالان عرصه

۱ از قرار معلوم در دیدگاه ابن‌اخوه، خطای حرفه‌ای و قلب آهنگران سنگین‌تر از سایر مشاغل به نظر می‌آمده و نگاه وی به آن‌ها متمایز بوده است. برخی از پژوهش‌ها نیز بر تمایز و تفاوت جایگاه اجتماعی و اقتصادی این حرفه در بخشی از سرزمین‌های اسلامی تأکید می‌کنند (یزدان‌فرخی، ۱۳۸۷)، «بر آن بی‌بها چرم آهنگران»، مزدک‌نامه (یاد بود اولین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر)، خواهان جمشید کیان‌فر و پروین استخری، تهران: ناشر جمشید کیان‌فر و پروین استخری، صص ۴۶۷-۴۸۳.

بازار، منبع ارزشمندی محسوب می‌شود.

در این پژوهش دستاوردهای تحقیق از جهت کمی و کیفی، رفتاری خاص از زندگی روزمره پیشه‌وران را تشریح می‌کند. مطابق نتایج کمی و آماری به دست آمده حرفه‌های مختلف را به جهت ارتکاب تقلب در جریان فعالیت تولیدی و خدماتی می‌توان به دسته‌های مختلفی تقسیم کرد. این دسته‌بندی از پیشه‌ورانی که فاقد تقلب بودند (اندکی کم‌تر از ۱۲ درصد از پیشه‌وران) تا پیشه‌ورانی که به تنهایی بیش از ۱۵ درصد تقلب‌ها در سابقه خود داشتند (عطاران) را شامل می‌شود. دستاورد آماری این مطالعه نشان می‌دهد که حرفه‌های مرتبط با خوراک و تغذیه، بیش‌تر در معرض تقلب بوده است و یا دست کم از نظر نهاد حسبه توجه به این مشاغل از حساسیت بیشتری برخوردار بوده است و این نکته را هم از جهت تعدد پیشه‌های مرتبط با این گروه می‌توان مشاهده کرد و هم از طریق تقلب‌های مطرح شده و حتی حجم مطالب کتاب در این مورد می‌توان به آن دست یافت.

به هر روی در تحلیل نتایج آماری به دست آمده از کتاب معالم‌القریبه فی احکام‌الحسبه و آثاری نظیر آن، باید احتیاط کرد و از یک جنبه نگرستن به نتایج عددی خودداری نمود. بخشی از دلایل تعدد تقلب یا اندک بودن میزان تقلب و یا گزارش نشدن تقلب در مورد پیشه‌ای خاص می‌تواند گستردگی و محدودیت حرفه، پر شمار بودن یا اندک بودن کالا و خدمات آن حرفه مربوط باشد. برای نمونه پیشه‌ای چون عطاری که با کالاهای متعدد در فعالیت شغلی خود سر و کار دارد را تنها با احتیاط می‌توان با پیشه‌ای چون فروشنده بادبز و یا دوک ساز که تنها به فروش یک کالا می‌پردازد، مقایسه کرد. به عبارتی دیگر در تحلیل میزان تقلب دو حرفه اخیر نمی‌توان گفت فروشنده‌گان بادبز، تعداد اندکی تقلب داشته‌اند و در نتیجه در مقایسه با عطاران اخلاق حرفه‌ای را بیش‌تر رعایت می‌کردند. بلکه در تحلیل نتایج به دست آمده بهتر است گفته شود، پیشه عطاری به دلیل ویژگی‌های شغلی و تعدد کالای عرضه شده، زمینه و احتمال ارتکاب به تقلب بیش‌تری داشته و در مقابل، حرفه فروشنده بادبز به دلیل محدودیت کالاهای تولیدی، زمینه و امکان کم‌تری برای تقلب داشته است.

همین‌طور نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که لازم است نتایج کمی و عددی را با در نظر گرفتن یافته‌های کیفی تحقیق، تکمیل کرد. تأکید مؤلف بر وقوع مکرر تقلب در برخی حرفه‌های نظیر لکانه پز و پنهان بودن تدلیس زرگران از دید ابن‌اخوه این مطلب را بازگو می‌کند که در

پژوهش‌هایی نظیر پژوهش حاضر، نتایج کمی تنها بخشی از واقعیت را بیان می‌کند. سرانجام باید گفت که شباهت وقوع تقلب در برخی حرفه‌ها در اثر ابن‌اخوه (که مشتق از محتوای حسبه نامه‌ها است و بیش‌تر جامعه مصر سده هفتم هجری را روایت می‌کند)، با آنچه در گستره سرزمین‌های اسلامی نظیر ایران دیده می‌شود (نظیر تقلب خیاط) و گستره زمانی دیگر (نظیر تقلب شیرفروش)، امری تصادفی و بی‌معنا نیست و نشان می‌دهد که پیشه‌وران و زندگی روزمره آن‌ها و بررسی اخلاق حرفه‌ای این بخش از جامعه را می‌توان فراتر از سرزمین، گستره جغرافیایی و دوره زمانی محدود مورد کاوش قرار داد و تحقیق حاضر اثری کوچک و پژوهشی در مرحله مقدماتی در نوع خود محسوب می‌شود.

منابع و مآخذ

- ابن‌اخوه، محمد بن محمد بن احمد قرشی (۱۹۳۷)، *معالم القریه فی احکام الحسبه*، به اهتمام روبن لیوی، کمبریج: دارالفنون.
- _____ (۱۳۶۰)، *آیین شهرداری*، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد ترجمه و نشر کتاب.
- اشرف، احمد (۱۳۵۳)، «ویژگی‌های تاریخی شهرنشینی در ایران دوره اسلامی»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۴، صص ۷-۴۹.
- انصاری، محمدرضا (۱۳۹۱)، «حسبه»، *دایرةالمعارف تشیع*، زیر نظر احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، تهران: مؤسسه انتشارات حکمت.
- انوری، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
- باورچی، محمد علی و آشیز، نورالله (۱۳۸۹)، *آشیزی دوره صفوی*، به کوشش ایرج افشار، تهران: سروش، ج ۲.
- باستانی پایزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۷)، *محتسب که بوده است؟ بررسی‌های تاریخی*، س ۳، ش ۱۷.
- باقری، محمد (پاییز ۱۳۸۹)، «نظری به منشور آداب و اخلاق شهری در گذر زمان: تمهیدی برای معرفی کتاب گران سنگ معالم القریه فی احکام الحسبه یا آیین شهرداری قرن ۷»، *فصلنامه پژوهشنامه*، شماره پیاپی ۵۸.
- بحرانی پور، علی (پاییز ۱۳۸۸)، «اصناف و صنایع در بازار شیراز سده‌های هفتم و هشتم قمری»، *تاریخ ایران*، ش ۵.
- بلخی، مولانا جلال‌الدین (۱۳۸۵)، *مثنوی معنوی*، تصحیح رینولد نیکلسون، به اهتمام غلامحسین اعرابی، تهران: انتشارات اردیبهشت.
- تنوی، قاضی احمد (۱۳۸۲)، *تاریخ الفی*، تصحیح غلامرضا طباطبایی مجد، تهران: علمی فرهنگی.
- پاکچی، احمد (۱۳۷۴)، «ابن‌اخوه»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم بجنوردی، تهران: بنیاد

- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- تولایی، علی (۱۳۸۵)، «تدلیس»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، تهران: انتشارات دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
 - حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد (۱۳۶۲)، *دیوان حافظ*، به تصحیح پرویز ناتل خانلری، تهران: خوارزمی.
 - خازنی، ابوالفتح عبدالرحمن (۱۳۵۰)، *ترجمهٔ میزان‌الحکمه*، مقدمه و تعلیقات مدرس رضوی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
 - الشیخی، صباح ابراهیم سعید (۱۳۶۲)، *اصناف در عصر عباسی*، ترجمهٔ هادی عالم زاده، تهران: نشر دانشگاهی.
 - عباسی، علی اکبر و فروهی، آرمان (پاییز ۱۳۹۲)، «بررسی چگونگی اعمال تعزیرات حکومتی در قرن هفتم هجری (بر اساس کتاب معالم‌التقریه فی احکام‌الحسبه از ابن‌اخوه)»، *پیام بهارستان*، س ۶، ش ۲ (پیاپی ۲۱).
 - فرامرز قراملکی، احد و همکاران (۱۳۸۸) *اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام*، تهران: پژوهشکدهٔ مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
 - فرخی، یزدان (۱۳۸۷)، «بر آن بی‌بها چرم آهنگران»، *مزدک نامه* (یاد بود اولین سال درگذشت مهندس مزدک کیان‌فر)، تهران: ناشر جمشید کیان‌فر و پروین استخری.
 - فلور، ویلم (پاییز و زمستان ۱۳۸۸)، «اصناف»، ترجمهٔ یزدان فرخی، *مجله نامهٔ انجمن*، س ۹، ش ۳ و ۴.
 - شهاب‌الدین احمد قلقشنندی (۱۹۷۰)، *صبح‌الاعشی فی صناعة الانشاء*، به اهتمام محمد حسین شمس‌الدین، بیروت: انتشارات دارالکتب العلمیه.
 - کیوانی، مهدی (۱۳۸۵)، «اصناف»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
 - _____ (۱۳۹۲)، *پیشه‌وران و زندگی صنفی آنان در عهد صفوی*، ترجمهٔ یزدان فرخی، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - ماسینیون، لویی، ۱۳۸۸، *اصناف اسلامی*، ترجمهٔ یزدان فرخی، *مزدک نامه* ۲، تهران: ناشر پروین استخری.
 - معین، محمد (۱۳۷۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
 - منتظری، حسینعلی (۱۳۶۶)، «حسبه و شرایط محتسب (۳)»، *نور علم*، ش ۲۱، خرداد.

- Izzi Dien, M.Y & Juynboll.G.H.A(2000), "Tadlis", *Encyclopedia of Islam*, Second edition, Leiden: Brill, Vol.III.
- Cahen. Cl & Talbi. M(1986), "Hisba", *Encyclopedia of Islam*, Second edition, Leiden: Brill, Vol. X.
- Cahen. Cl & Taeschner.Fr(1965), "Futuwwa", *Encyclopedia of Islam*, Second edition, Leiden: Brill, Vol II.
- Ibn Al-Ukhuwwa(1938), *The Maālim al-Qurba fi Ahkam al-Hisba*, Edited and translated

by Reuben Levy, Cambridge: Cambridge University press.

- Massignon, Louis(1949), "Islamic Guild", *Encyclopedia of social sciences*, vol. viii, New York: The Macmilan, Company.
- Raymound, A(1997), "Sinf: In Arab world", *Encyclopedia of Islam*, Second edition, Leiden: Brill, Vol. IX.

